

تحولات و مرفولوژی جمعیت ایران

دکتر شهلا کاظمی پور^۱

تحقیق در این که در مقاطع مختلف زمانی جمعیت ایران چقدر بوده و چه تحولات و تغییراتی را به خود دیده مطلبی است که شاید هرگز نتوان به آن دست یافت. البته حدس و گمان در این مورد فراوان، ولی برآوردهایی که متکی بر آمار متقن و قابل اعتماد باشند کم، و به جرأت می‌توان گفت که ناچیز هستند ولی در عین حال سرشماریها و آمارگیریهای حتی در ایران باستان (هخامنشیان، ساسانیان و بعد از اسلام) به عمل آمده است که اخذ مالیات سرانه، جمع‌آوری سپاه، تعیین پیروان مذاهب مختلف و... از انگیزه‌های آن بوده است.^(۱) بنابر این دستیابی به تعداد جمعیت ایران در گذشته‌ای بس دور به علت فراهم نبودن آمار، کاری است بسیار مشکل، ولی از لابلای گذشته‌نگریها و سفرنامه‌های مختلف می‌توان تعداد آنرا در گذشته تخمین زد از جمله:

شاردن فرانسوی جمعیت ایران را در عهد صفوی ۴۰ میلیون نفر قلمداد کرده است. شاید جمعیت ایران در گذشته بیش از رقم فعلی بوده است. می‌توان با اطمینان نسبی گفت که از زمان سلطه استعماری غربیان، بویژه در عصر قاجاری، با در هم شکسته شدن اقتصاد ملی و غیرقابل تحمل شدن شرایط زیست بر اثر رقابت خونبار و پُرفریب ماشین‌فرنگی و مخصوصاً اشاعه طاعون، وبا و سایر اپیدمیها و همچنین به‌علت تغییرات مرزهای سیاسی، جمعیت ایران رو به کاستی گذارده است.^(۲)

ک.ای. ابوت (K.E. Abbott) کنسول انگلیس و یکی از مطلع‌ترین بررسی‌کنندگان زمینه اقتصادی در ایران در سال ۱۲۲۶ هجری شمسی (۱۸۴۸ م) ابراز می‌دارد که در ایران به‌ندرت اتفاق می‌افتد که دو نوع آمار در مورد یک مسأله بخصوص، حتی در زمانی که منبع هر دو آمار یکی باشد با همدیگر جور در بیاید. با وجود این براساس بعضی از ارزیابی‌های نسبتاً صحیح، می‌توان در این زمینه نتایج چندی ارائه داد. اول از همه به نظر می‌رسد که جمعیت رو به افزایش گذاشته است. از ۵ یا ۶ میلیون نفر در سال

۱. عضو هیأت علمی گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

۱۱۸۹ هـ ش (۱۸۰۰ م) به حدود ۱۰ میلیون نفر در سال ۱۲۹۳ هـ ش (۱۹۱۴ م) رسیده است.^(۳)

جمعیت اسکان یافته کشور - اعم از شهری و روستایی - از ۲/۵ میلیون نفر در سال ۱۱۸۹ هـ ش (۱۸۰۰ م) به ۶/۵ میلیون نفر در سال ۱۲۸۹ هـ ش (۱۹۰۰ م) تغییر یافته است. یعنی میانگین میزان رشد سالانه‌ای برابر ۱/۶ درصد داشته ولی باور کردنی نیست که در چنان اوضاع اقتصادی - اجتماعی، میانگین میزان افزایش سالانه هر یک از بخشهای جمعیت به چنین حدی رسیده باشد. زیرا میانگین میزان افزایش مزبور مستلزم وجود میزان افزایش واقعی بسیار بالاتر از دورانی است که وبا و قحطی پایان یافته و مردم توانستند به جبران از دست رفته‌های خود بپردازند و دیگر اینکه از آمارهای موجود برای سالهای ۱۲۱۷ هـ ش (۱۸۳۸ م)، ۱۲۴۶ هـ ش (۱۸۶۷ م) و ۱۲۴۸ هـ ش (۱۸۶۹ م) به روشنی پیداست که جمعیت ایران تا اواسط قرن سیزدهم حداکثر برابر ۶ میلیون نفر و چه بسا کمتر از آن بوده است. این امر مستلزم میزان افزایش حتی بیشتری، هم در کل و هم برای جمعیت اسکان یافته، در نیمه دوم قرن و به‌ویژه در سه دهه آخر آن است. یعنی در دوره‌ای که ایران بیش از هر زمان دیگری دستخوش قحطی، تورم، فقر اقتصادی و ناآمنی سیاسی بود. معنای اینها چیست؟^(۴)

نخست باید به تمایز بین تغییرات دوری و درازمدت در جمعیت عنایت کرد به‌ویژه در چنین اوضاعی که بی‌ثباتی عوامل طبیعی و اجتماعی می‌توانسته اهمیت قابل ملاحظه‌ای در تعیین نوسانات مهم کوتاه‌مدت داشته باشد. برای مثال در آغاز مرحله اول ممکن است در ثبات نسبی اقتصادی - اجتماعی پیشگفته گرایشی دوره‌ای در جهت افزایش جمعیت پدید آمده باشد که کاهش‌های دوره‌ای دوران قبل را جبران کرده باشد. بر این پایه برآورد ۹ میلیونی گاردن شاید آن گونه که عمدتاً تصور می‌شود چندان گزاف نباشد. اما عوامل دیگری هم در کار بوده است. از جمله گرایش‌های ضد دوره‌ای که در جهت مخالف عمل می‌کرده‌اند. نخست از دست رفتن بخش وسیعی از کشور در این مرحله است. ایالاتی که به تصرف روسیه درآمد از حاصلخیزترین مناطق محرومه ایران بوده و درصد قابل توجهی از کل جمعیت کشور احتمالاً در حدود یک میلیون نفر را در خود جای می‌داد. ظاهراً این واقعیت مهم از دید صاحب‌نظران به دور مانده است. دوم، شیوع بیابانی بیماری وباست که از اواسط ۱۲۱۹ هـ ش (۱۸۳۰ م) تا اواسط ۱۲۴۹ هـ ش (۱۸۶۰ م) ادامه داشت و روند درازمدت افزایش جمعیت را به‌طور ادواری خدشه‌دار می‌کرد. این را - دست کم از حیث کیفی - می‌دانیم که آسیب ناشی از این بیماری بسیار سنگین بوده است، اما زیان این واقعه بیش از اینها بوده است. در واقع احتمال می‌رود که شیوع پی‌درپی و با میزان زاد و ولد را به‌میزانی کمتر از میزان عادی برای اقتصاد سیاسی ایران کاهش داده باشد. بنابراین حتی با وجود اینکه احتمالاً اوضاع اقتصادی - اجتماعی در سالهای ۱۲۵۹-۱۱۸۹ هـ ش

۱۸۷۰-۱۸۰۰ م) از دورہ سوم یعنی سالهای ۱۲۸۹-۱۲۵۹ هـ ش (۱۹۰۰-۱۸۷۰ م) بہتر بودہ است، بہ احتمال زیاد رقم کل جمعیت ایران در فاصلہ سالهای ۱۱۸۹ تا ۱۲۵۹ بی تغییر و در حدود ۶ میلیون نفر ثابت بودہ زیرا کاهش جمعیت در نتیجہ شیوع بیماریهای مسری و توسعہ طلبی خارجی در تعیین میزان معمولی زاد و ولد و مرگ و میر در نظر گرفتہ نمی شود.^(۵)

اما در دورہ سوم در حالی کہ از تضعیف درازمدت محرکهای اجتماعی - اقتصادی هنوز آن قدر نگذشتہ بود کہ بتوانند تأثیری منفی در روند درازمدت میزان مرگ و میر و زاد و ولد بگذارند، اثر منفی عوامل دورہای و برونی بالا بسیار کاهش یافت کہ بہ کاهش میزان مرگ و میر و احتمالاً همزمان با آن بہ بالا رفتن میزان زاد و ولد انجامید. از این رو افزایش جمعیت از ۶ میلیون نفر در اواسط دہہ ۱۲۴۹ هـ ش (۱۸۶۰ م) بہ ۸ میلیون نفر در سال ۱۲۸۹ هـ ش (۱۹۰۰ م) امری ممکن بودہ است. باری جمعیت ایران احتمالاً از ۶-۷ میلیون نفر در آغاز قرن سیزدہم بہ چیزی قریب ۸-۹ میلیون نفر در پایان آن رسید و بیشتر این افزایش در چند دہہ آخر این دورہ رخ نمود. افزایش جمعیت در آغاز قرن سیزدہم را نمی توان عمدتاً ناشی از روند درازمدت ناشی از بہبود اوضاع اجتماعی - اقتصادی دانست. این نکته بہویژہ در مورد دہہهای آخر قرن کہ اوضاع اجتماعی - اقتصادی رو بہ خرابی نہادہ بود صادق است و این جمعیت بہرغم اینکہ خواہ ناخواہ غیر منطقی و تا اندازہ زیادی مبتنی بر حدس و گمان است با کل معلومات ما در بارہ اقتصاد سیاسی ایران در سدہ اخیر سازگاری بیشتری دارد تا تفسیرهای دیگری کہ تفاوت بارزی با آن دارند.^(۶)

منطقہ کنونی ایران تا محدودہ خط یزد - مشهد حدود ۴۰/۰۰۰ تا ۴۵/۰۰۰ ہزار فرسنگ مربع است. جمعیت آن تقریباً ۹ میلیون نفر است. (این رقم جمعیت خیلی زیاد است حتی اگر ایالات قفقاز را نیز کہ در سال ۱۸۱۳ بہ روسیہ انتقال یافت بہ جمعیت ایران اضافه کنیم.)^(۷)

ہامبلی و بیمونت در مورد جمعیت ایران ارزیابیهای زیر را اراہہ می دهند:

سال میلادی	سال شمسی	تعداد جمعیت
۱۸۳۸	۱۲۱۷	۵ میلیون نفر
۱۸۵۸	۱۲۳۷	" " ۵
۱۸۶۹	۱۲۴۸	" " ۵
۱۸۹۴	۱۲۷۳	" " ۷/۵
۱۹۱۰	۱۲۸۹	" " ۸

وقتی اولین احصایه ایران جمعیت آن را ۱۸/۹۵۴/۰۰۰ نفر اعلام کرد (سال ۱۳۳۵) جمعیت مصر ۲۳/۵۳۲/۰۰۰ نفر بود. با فرض همان درصد رشد، جمعیت برای سال ۱۲۸۶ (۱۹۰۷ م) نشانگر رقم ۹/۰۰۰/۰۰۰ نفر برای ایران است که قابل مقایسه با ۱۱/۲۸۷/۰۰۰ نفر جمعیت مصر است. مع هذا احتمال نمی‌رود که رشد جمعیت ایران از سال ۱۲۸۶ تا سال ۱۳۳۵ هـ ش (۱۹۵۶-۱۹۰۷ م) بیشتر از رشد جمعیت مصر باشد و رقم ۱۰ میلیون نفر برای جمعیت ایران غیر منطقی به نظر نمی‌رسد.^(۸)

جمعیت ایران در سال ۱۲۴۶ (۱۸۶۷ م) از سر تانسون: جمعیت و منابع عمومی دیگر این مملکت معمولاً بیش از اندازه برآورد شده است. ایران به طول ۷۰۰ میل از شمال به جنوب و به عرض ۹۰۰ میل از شرق به غرب حاوی منطقه‌ای با ۱/۶۴۸/۰۰۰ کیلومتر مربع است. ولی قسمت اعظم آن کویر بی‌آب و علف است و جمعیت نیز بسیار پراکنده است و در هر میل مربع هفت نفر زندگی می‌کنند. در بعضی از نواحی این درصد حتی پایین‌تر است. مثلاً یکی از این نواحی کرمان است که از بزرگترین ایالات ایران به‌شمار می‌رود و وسعت آن حدود ۷۳/۰۰۰ میل مربع همراه با ۲۰۷/۰۰۰ نفر جمعیت است که در هر میل مربع کمتر از سه نفر زندگی می‌کنند. تطبیق اظهارهای متناقض بومیان و عقاید متفاوت غربیان در خصوص تعداد سکنه هر ایالت مسأله مشکلی است. از عبارات سیاحانی که سرتاسر ایران را گشته‌اند و بویژه از نواحی آمد و شد مردم گذشته‌اند، این مسأله کاملاً روشن است که درباره این موضوع تناقض‌گویی‌های زیادی انجام شده است. ارزیابی‌های بومیان نیز اغلب غلط و اشتباه است. آنها کل جمعیت ایران را ۱۰ میلیون نفر ارزیابی کرده‌اند که منطقی به نظر نمی‌رسد. ملکم می‌گوید که در نسخه‌ای که از روی نامه‌های دولتی نوشته شده بود میزان جمعیت ایران ۲۰ میلیون نفر برآورد شده بود. شاردن تعداد جمعیت ایران را ۴۰ میلیون نفر تخمین زده و این رقم در آثار دیگر جغرافیایی از ۹ تا ۱۵ میلیون نفر آمده است. حتی فریزر هم که به‌طور کلی در توصیفاتش صادق است جمعیت ایران را از ۸ میلیون نفر تا ۱۰ میلیون نفر نوشته است.

پینکرتون که به‌نظر می‌رسد در گفته‌هایش تا حدی صادق باشد جمعیت ایران و افغانستان را ۱۰ میلیون نفر نوشته که ۴ میلیون نفر آن متعلق به افغانستان و ۶ میلیون نفر آن سکنه نواحی تحت سلطه شاه بوده است. در زمان شاهان توفانی (صفویه) و حتی در اوایل سلسله قاجار ایران احتمالاً پرجمعیت‌تر از حالا بوده، چرا که این مملکت بویژه در ایام صفویان از رفاه و فراوانی نسبی برخوردار بوده است. تهاجمی که طاعون و وبا راه انداخته با سوء حکومت و چپاول هم ایاق شده و مملکت را به‌سوی انحطاط پیش رانده است. یقین است که طبق اطلاعاتی که در خلال سفرهایم به ایالات به‌دست آورده‌ام همراه با

سایر اطلاعاتی که دیگران عرضه کرده‌اند جمعیت ایران امروزه از ۵ میلیون نفر تجاوز نمی‌کند و در عین حال احتمال دارد که این رقم بالاتر از ۴ میلیون نفر هم نباشد.^(۹)

جمعیت ایران در سال ۱۲۹۲ هـ ش (۱۹۱۳ م) از ل. آ. سوبوتسینیکی: تعیین میزان جمعیت ایران بسیار مشکل است از این رو ارقامی که توسط بعضی از محققین ارائه شده شدیداً با همدیگر فرق می‌کند. این مسأله در نتیجه فقدان آمار عمومی در ایران است. البته غیر از تلاشی که در سال ۱۲۳۹ هـ ش (۱۸۶۰ م) در این زمینه انجام شد این تلاش نیز با شکست قرین بود. چرا که مخالفت مردم بی‌فرهنگ و متعصب که مانع هر نوع سرشماری می‌شوند و نیز واجب‌الحرمت بودن حررها و سایر موانع باعث گردید به جز خرج زیادی که روی دست دولت گذاشت نتایج مهمی حاصل نگردد. حتی خود تشکیلات دولتی هم علاقه‌ای به سرشماری دولتی و رواج ثبت مرگ و میر ندارد. از آنجا که میزان مالیاتی که به حکومت مرکزی پرداخت می‌شود براساس جمعیت است. لذا حکام محلی علاقه‌مند هستند تا آنجایی که ممکن است از مالیاتهای دریافتی از مردم منطقه‌شان سهم بسیار کمی به حکومت مرکزی بپردازند. میزان اطلاعات و یافته‌هایی که نویسندگان متعدد جمعیت ایران عرضه کرده‌اند آشکارا با برآوردهای دانشجویان مختلف در این زمینه فرق می‌کند که این مسأله از مقایسه زیر کاملاً روشن می‌شود.^(۱۰)

برآورد جمعیت ایران در سالهای ۱۲۹۲-۱۲۶۳ (ارقام به میلیون نفر)

گروههای جمعیت	هوتوم-شیندلر ۱۲۶۳ (۱۸۸۴)	زولوتولیف ۱۲۶۷ (۱۸۸۸)	کرزن ۱۲۷۹ (۱۸۹۱)	سرشماری ماصر (۱۹۱۳) توسط مدودف ۱۲۹۲
اسکان یافته	۵/۷۴۴	۴/۵۰۰	۶/۷۵۰	۷/۵۰۰
شهرها	۱/۹۸۴	۱/۵۰۰	۳/۲۵۰	۲/۵۰۰
روستاها	۳/۷۶۰	۳/۰۰۰	۴/۵۰۰	۵/۰۰۰
عشایر	۱/۹۱۰	۱/۵۰۰	۲/۲۵۰	۲/۵۰۰
جمع اسکان یافته و عشایر	۷/۶۵۴	۶/۰۰۰	۹/۰۰۰	۱۰/۰۰۰

مأخذ: چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، قاجاریه ۱۲۳۲-۱۲۲۵ هـ ق - ترجمه یعقوب آژنده، نشر گستره، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۲، ص ۴۷.

با پذیرش آخرین رقم توسط لرد کرزن یکی از کارشناسان در زمینه مسایل ایران، که به مدت سه سال در ایران به مطالعه مشغول بوده، ارزیابی شده است که با افزودن ۰/۷۵ درصد رشد سالانه‌ای که توسط خود او اقامه شده، جمعیت کنونی ایران (حدود سالهای ۱۲۹۰ هـ ش) مرکب از ۵/۷ میلیون نفر (یا ۷۵ درصد) مردم اسکان یافته، که از آنها ۲۵ درصد در شهرها و ۵۰ درصد در روستاها زندگی می‌کنند، و ۱/۹ میلیون (یا ۲۵ درصد) عشایر می‌شود. اگر ما وسعت ایران را ۲۹/۹۸۶ میل مربع (معادل با ۷ ورست یا ۷/۴۶۸ کیلومتر مربع) به حساب بیاوریم تراکم جمعیت در هر میل مربع با ۶/۸ ورست مربع ۳۶۷ نفر می‌شود. بنابر این ایران از نظر تراکم جمعیت نزدیک به تراکم جمعیت روسیه است که در هر ورست مربع ۷ نفر زیست می‌کنند و یا نزدیک به تراکم جمعیت ایالات متحده است که در هر ورست مربع ۸ نفر به سر می‌برند. تراکم فوق‌الذکر جمعیت چنانکه از اطلاعات تاریخی طبیعی ایران برمی‌آید در همه جا یکسان نیست. ایالاتی که از نظر حاصلخیزی و اوضاع و شرایط زندگی نامساعد هستند جمعیتشان بسیار پراکنده است. درحالی‌که، برعکس، جاهایی که دارای آب و هوای مرطوب و طبیعت سخاوتمندی است تکاثر جمعیت بیشتر است.^(۱۱)

برآورد جمعیت ایران توسط لرد کرزن به تفکیک انواع نژادها در سال ۱۲۹۲

انواع نژادها	تعداد جمعیت زن و مرد	درصد نسبت به کل جمعیت
ایرانیها	۵/۵۰۰/۰۰۰	۵۵
ترک - تاتار	۲/۰۰۰/۰۰۰	۲۰
عشایر لُر	۱/۰۰۰/۰۰۰	۱۰
کردها	۸۰۰/۰۰۰	۸
عربها	۳۵۰/۰۰۰	۳/۵
ترکها و سایر عشایر	۳۵۰/۰۰۰	۳/۵
جمع کل	۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰

مأخذ: چارلز عیسوی، همان، ص ۵۱.

بنابر این ارقامی که اهل فن سرشماری و براساس اطلاعاتی که به دست آورده بودند بی‌اساس نبوده

است. جمعیت نفوس ایران را در سالهایی چند، از قرار زیر، از ۴ میلیون و نیم تا قریب به ۹ میلیون و نیم نفر داده‌اند.^(۱۲)

سال (ه. ش)	تعداد جمعیت ایران (به میلیون نفر)
۱۲۴۸	۴/۴
۱۲۷۵	۷/۶۵۰
۱۲۷۹	۶/۰
۱۲۸۲	۸/۰۵۵
۱۲۸۸	۹/۰
۱۲۹۰	۹/۳۳۲

در سال ۱۲۵۲ ه. ش ضیع‌الدوله جمعیت ایران را معادل ۱۱/۵ میلیون نفر گزارش کرده است که شامل ۱۳ درصد جمعیت شهری، ۴۳/۵ درصد روستایی و ۴۳/۵ درصد چادر نشین و متحرک می‌باشد.^(۱۳)

در سال ۱۲۶۳ ه. ش ژنرال شیندلر ضمن گزارش از وضع ایران، جمعیت کشور را به شرح زیر گزارش کرده است. (ژنرال هوتوم شیندلر از سال ۱۸۹۲ تا ۱۹۰۸ میلادی در ایران بوده و در مورد اوضاع جغرافیایی و اجتماعی ایران آن زمان تألیفاتی به زبان انگلیسی دارد).^(۱۴)

میانگین	تعداد جمعیت	درصد
کل کشور	۷/۶۵۴/۰۰۰	۱۰۰
جمعیت شهری	۱/۹۶۴/۰۰۰	۲۵/۶
جمعیت روستایی	۳/۷۸۰/۰۰۰	۴۹/۵
جمعیت عشایری	۱/۹۱۰/۰۰۰	۲۴/۹

احصایات راجع به جمعیت اهل ایران در سالهای ۱۲۹۰-۱۳۲۸ هـ ش

تخمین لرینی ۱۲۹۰	تخمین ثانوی شیندلر ۱۲۸۸	تخمین کرزن ۱۲۸۲	تخمین زرتارد عضو هیات جغرافیایی پطرسبورگ ۱۲۷۹	تخمین هوتن شیندلر ۱۲۵۲-۵۳	رایرت کنسولگری انگلیس ۱۲۴۸	دسته‌بندی
۷/۱۹۳/۷۷۰	۷/۰۹۰/۲۰۰	۶/۰۴۱/۵۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۵/۷۴۳/۸۰۰	-	تخته قاپو
-	-	(۲/۰۶۳/۰۰۰)	-	(۱/۹۶۳/۸۰۰)	۸۵۰/۰۰۰	در شهر
-	-	(۳/۹۷۸/۵۰۰)	-	(۳/۷۸۰/۰۰۰)	۱۵۰/۰۰۰	در دهات و قراء
۲/۱۳۸/۲۳۰	۱/۹۰۹/۸۰۰	۲/۰۱۴/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۱/۹۰۹/۸۰۰	-	چادر نشین
(۹۸/۲۵۰)	(۲۶۰/۰۰۰)	(۲۷۴/۵۰۰)	(۳۰۰/۰۰۰)	(۲۶۰/۰۰۰)	-	عرب
(۸۰۵/۵۰۰)	(۷۲۰/۰۰۰)	(۷۶۰/۰۰۰)	(۶۰۰/۰۰۰)	(۷۲۰/۰۰۰)	۱/۷۰۰/۰۰۰	ترک و تاتار
(۷۵۰/۹۳۰)	(۶۷۵/۰۰۰)	(۷۰۰/۵۰۰)	(۶۰۰/۰۰۰)	(۶۷۵/۰۰۰)	-	کرد و لک
(۲۳/۲۲۵)	(۲۰/۸۰۰)	(۲۲/۰۰۰)	(۱/۵۰۰/۰۰۰)	(۲۰/۸۰۰)	۱/۷۰۰/۰۰۰	بلوچ
(۴۶۰/۳۲۵)	(۲۳۴/۰۰۰)	(۲۵۷/۰۰۰)	-	(۲۳۴/۰۰۰)	-	لر
۹/۳۳۲/۰۰۰	۹/۰۰۰/۰۰۰	۸/۰۵۵/۵۰۰	۶/۰۰۰/۰۰۰	۷/۶۵۳/۶۰۰	۴/۴۰۰/۰۰۰	جمع کل

ماخذ: سید محمد علی جمالزاده، گنج شایگان: انتشارات اداره کاوه، ناشر کتاب تهران.

پیسون آشر (*P. usher*) ضمن انتقاد از آمار شیندلر چنین می‌گوید: این ارقام احتمالاً کمتر از واقعیت است، به‌نظر بعضی از مورخین، ایران باستان در دورهٔ داریوش جمعیتی در حدود ۵۰ میلیون نفر را دربر می‌گرفته است. حتی اگر این رقم جمعیت را نیز منظور نداریم این قدیمی‌ترین نوع استقرار و اسکان جمعیت در یک منطقه است و با احتیاط باید پذیرفت که اسکان جمعیت قبل از آن در این منطقه به‌وقوع نپیوسته است. با توجه به ارقام فوق مشاهده می‌گردد که جمعیت ایران در یکصد سال قبل با ارقامی متفاوت گزارش شده است ولی هر دو گزارشگر رقم جمعیت شهرنشین را مشابه هم و در حدود ۱/۵ تا دو میلیون برآورد کرده‌اند و اختلاف این دو بیشتر در مورد جمعیت روستایی به‌ویژه عشایری به‌چشم می‌خورد که دسترسی به آنها به‌علت وسعت زیاد ایران، پراکندگی دهات و نیز به‌علت نداشتن محل سکونت ثابت در مورد عشایر و تحرک آنها در خطوط مرزی کشور مشکل بوده و باعث گردیده است که تعیین تعداد و تابعیت آنها دشوار گردد. ولی گذشته‌نگری جمعیت ایران براساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۳۵ نشان می‌دهد ارقامی که به‌وسیلهٔ ژنرال شیندلر گزارش شده است به واقعیت نزدیکتر می‌باشد. در هر حال جهت برآورد جمعیت ایران در گذشته، دانشمندان و مؤسسات مختلفی با روشهای متفاوت ارقام نامشابهی را برای سالهای قبل از سال ۱۳۳۵ ارائه داده‌اند که در جدول زیر مندرج است." (۱۵)

برآورد جمعیت ایران در سالهای قبل از ۱۳۳۵ به‌وسیلهٔ افراد و سازمانهای مختلف

(ارقام به میلیون نفر)

سال ه ش	برآورد مهدی امانی	<i>J. Baharier</i>	دفتر اقتصادی سازمان برنامه	امور جمعیتی سازمان ملل متحد
۱۲۷۹	۱۰/۷	۹/۸۶	-	-
۱۲۹۰	۱۰/۹	۱۰/۶۶	۱۲/۱۹	-
۱۳۰۰	۱۱/۱۵	۱۱/۴۷	۱۲/۷۳	۱۱/۰
۱۳۱۰	۱۲/۱۱	۱۲/۷۷	۱۳/۵۷	۱۱/۴
۱۳۲۰	۱۴/۰۲	۱۴/۷۶	۱۴/۶۹	۱۴/۰
۱۳۳۰	۱۷/۰۸	۱۸/۰۲	۱۷/۰	۱۶/۲
۱۳۳۵	۱۹/۳	۲۰/۴	۱۹/۰۶	-

مأخذ: جعفر جوان، جمعیت ایران و بستر جغرافیایی آن، دانشگاه فردوسی، سال ۱۳۶۷، ص ۴۰.

تا نیمه دوم قرن سیزدهم هجری شمسی سرشماری نفوس در ایران متداول نبوده است. بنابر این سرشمارهای آماری که از طریق شمارش نفوس ارایه شده در دسترس نیست. نخستین آمارگیری نفوس که از طریق حکام ولایات ایران در سال ۱۲۵۲ هـ ش به دستور وزیر علوم وقت (علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه) گردآوری شده که جمعیت ایران را حدود ۱۱/۵ میلیون نفر برآورد کرده است که حدود ۱۳ درصد آنان شهرنشین و ۸۷ درصد بقیه روستانشین و عشایر بوده‌اند.

شمار دیگری از جمعیت ایران نقل از ژنرال شیندلر است که مدت ۶ سال در ایران زندگی کرده و در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی ایران مطالعاتی انجام داده است (۱۸۸۴ میلادی - ۱۲۶۳ شمسی).

از شمارهای بعدی که بیشتر در شهرهای بزرگ انجام پذیرفته، سرشماری نفوس تهران در سال ۱۲۵۵ شمسی (زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه) و سرشماری نفوس ۳۵ شهر بزرگ ایران در فاصله سالهای (۲۰-۱۳۱۸) شمسی (زمان سلطنت رضا شاه) را می‌توان نام برد.

بنابر این از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری شمسی دو برآورد درباره تعداد جمعیت ایران به ترتیب زیر موجود است:

سال ۱۲۵۲ شمسی ۱۱/۵ میلیون نفر

سال ۱۲۶۳ شمسی ۷/۷ میلیون نفر

بررسیهای تاریخی در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری شمسی روشنگر اوضاع نابسامان اجتماعی - اقتصادی و وجود بیماریهای واگیری نظیر حسبه، آبله، وبا و مالاریا در شمال و جنوب و خشکسالی‌های بی‌شمار و عوامل دیگری است که سبب ازدیاد مرگ و میر جمعیت و بویژه مرگ و میر کودکان بوده است. همچنین عدم برخورداری از تسهیلات درمانی و بهداشتی مانند پزشک، دارو و آب آشامیدنی و عدم آگاهی مردم به اصول بهداشتی از عوامل مؤثر دیگر در این افزایش بوده‌اند. البته باید گفت که کلیه کشورهای منطقه آسیا کم و بیش در چنین وضعی بوده و این امر خاص کشور ایران نبوده است.

درحالی‌که رشد جمعیت آسیا در این دوره حدود ۰/۳ درصد محاسبه شده است، در شرایط ایران حتی وجود چنین رشدی در بعضی از سالهای نیمه دوم قرن سیزدهم شمسی قابل تردید است. ۱۱/۵ میلیون نفر بیشتر و ۷/۷ میلیون نفر کمتر از تعداد واقعی جمعیت ایران است. براساس ساختمان سنی جمعیت ایران در سال ۱۳۳۵ می‌توان تعیین کرد که در بهترین سالهای این نیمه رشد جمعیت از ۰/۸ درصد تجاوز نکرده است و متوسط رشد جمعیت در نیمه دوم قرن سیزدهم حدود ۰/۴ تا ۰/۵ درصد بوده است و اغلب برآوردهایی که برای تعداد جمعیت ایران بین سالهای ۱۲۸۰ تا ۱۳۳۵ شمسی انجام پذیرفته مؤید آنست که تعداد جمعیت ایران در سالهای (۶۳-۱۲۵۲ شمسی) کمتر از ۹/۵ تا ۱۰ میلیون

نفر نموده است." (۱۶)

"نخستین آمار و اطلاعات جامع در مورد جمعیت ایران از سرشماری سال ۱۳۳۵ به دست می آید. باستناد این سرشماری جمعیت ایران در سال مذکور جمعاً ۱۸/۹۵۴/۷۰۴ نفر بوده که ۵۱ درصد آنها مرد و ۴۹ درصدشان زن بوده‌اند.

محققین و مراکز جمعیت‌شناسی براساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۳۵ و با توجه به ساختمان سنی و جنسی و خصوصیات دیگر، جمعیت ایران را از سال ۱۲۷۹ (۱۹۰۰ م) به بعد برآورد نموده‌اند. این تخمینها در بعضی موارد تشابه و در برخی دیگر مغایرتهایی دارند.

افزایش جمعیت ایران در فاصله سالهای ۱۳۰۴-۱۲۷۹ هـ ش به‌طور متوسط سالانه ۰/۲ درصد، در فاصله سالهای ۱۳۲۴-۱۳۰۵ هـ ش سالانه ۱/۵ درصد، در فاصله سالهای ۱۳۴۴-۱۳۲۵ هـ ش سالانه ۲/۵ درصد و کل جمعیت ایران در سالهای ۱۲۷۹ تا ۱۳۳۵ به‌ترتیب زیر بوده است." (۱۷)

برآورد جمعیت ایران از سال ۱۳۳۵ تا ۱۲۷۹

سال	کل جمعیت (به میلیون نفر)
۱۲۷۹	۱۰/۷۲
۱۲۸۵	۱۰/۸۴
۱۲۹۰	۱۰/۹۴
۱۲۹۵	۱۱/۰۴
۱۳۰۰	۱۱/۱۵
۱۳۰۵	۱۱/۲۵
۱۳۱۰	۱۲/۱۱
۱۳۱۵	۱۳/۰۳
۱۳۲۰	۱۴/۰۲
۱۳۲۵	۱۵/۱۰
۱۳۳۰	۱۷/۰۸
۱۳۳۵	۱۸/۹

چنانکه مشاهده کردیم جمعیت ایران در حدود سال ۱۲۶۰ تقریباً ۷/۶ میلیون نفر بوده است که به تدریج افزایش یافته و در سال ۱۳۳۵ به ۱۸/۹ میلیون نفر رسیده که به طور متوسط از رشدی معادل ۱/۲ درصد در سال برخوردار بوده است. لازم به تذکر است که درصد رشد سالانه جمعیت ایران طی سالهای ۱۳۰۰-۱۲۶۰ ه. ش ناچیز (۰/۶ درصد) بوده، ولی بعد از سال ۱۳۰۰ همراه با بهبود امکانات بهداشتی و درمانی مملکت، از میزان مرگ و میر کاسته شد و رشد جمعیت هر ساله افزایش یافته است. طی سالهای ۴۵-۱۳۳۵ جمعیت ایران سالانه ۳/۱۳ درصد رشد داشته و به ۲۵/۷ میلیون نفر رسید. این جمعیت از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۵۵ با رشدی معادل ۲/۷۵ به ۳۳/۷ میلیون نفر و بالاخره طی ده ساله ۶۵-۱۳۵۵ با رشد سالانه ۳/۹ درصد به ۴۹/۴ میلیون نفر رسیده است.

تعداد جمعیت شهرنشین در سرشماری سال ۱۳۳۵، بالغ بر ۵/۹ میلیون نفر و تعداد جمعیت روستانشین ۱۳ میلیون نفر بوده است. به عبارت دیگر ۳۱ درصد از جمعیت ایران شهرنشین و بقیه روستانشین بوده‌اند. طی سالهای ۶۵-۱۳۳۵ هر ساله بر جمعیت روستانشین و شهرنشین اضافه شد، ولی میزان افزایش جمعیت شهرنشین، به علت مهاجرت روستاییان به شهرها، تبدیل وضع تعدادی از روستاها به شهر و ادغام برخی از نقاط روستایی اطراف شهرها به مجموعه شهرها، بیش از جمعیت روستانشین بوده است. در سال ۱۳۶۵ جمعیت شهرنشین برابر ۲۶/۸ میلیون نفر بوده که ۵۴ درصد از کل جمعیت کشور را شامل می‌شده است. رشد متوسط جمعیت شهرنشین ۵ درصد در سال و رشد متوسط جمعیت روستانشین ۲ درصد در سال بوده است. به عبارت دیگر مناطق روستایی کشور مهاجرفرست و مناطق شهری مهاجرپذیر بوده‌اند.

رشد سالانه جمعیت ایران تا سال ۱۳۵۵ ناشی از تفاضل رقم متوسط میزان مولید (۴۳ در هزار) و میزان مرگ و میر (حدود ۱۲ در هزار) بوده است. طی سالهای ۶۵-۱۳۵۵ رشد سالانه جمعیت ایران ۳/۹ درصد بوده است که نشاندهنده افزایش جمعیت می‌باشد. علت این فزونی از یک طرف بالا رفتن میزان مولید در پس از سالهای انقلاب اسلامی و از طرف دیگر، مهاجرت معاودین عراقی و پناهندگان افغانی به ایران است. میزان مولید در ایران به ویژه در مناطق روستایی، نزدیک به حداکثر میزان طبیعی مولید (۵۲ در هزار) است. پس از سالهای انقلاب اسلامی (سال ۱۳۵۸ به بعد) با کمتر شدن سن ازدواج، عمومیت پیدا کردن ازدواج و عدم استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری، در مناطق شهری نیز میزان مولید نسبت به گذشته افزایش یافته است. رقم متوسط میزان مولید در ایران حدود ۴۴/۴ در هزار و رقم متوسط مرگ و میر حدود ۱۰ در هزار و رشد طبیعی جمعیت برابر ۳/۴ درصد بوده است. به علاوه ۰/۵ درصد افزایش نیز ناشی از مهاجرپذیری بوده است ($۰/۵ = ۳/۴ - ۳/۹$) (مهاجرپذیری =

رشد طبیعی - رشد کل جمعیت).

تراکم نسبی جمعیت ایران در هر یک از سالهای سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۵۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵) به ترتیب برابر ۱۲، ۱۶، ۲۰ و ۳۰ نفر در هر کیلومتر مربع بوده است. مقایسه این ارقام نشان می‌دهد که به همراه افزایش جمعیت و ثابت ماندن مساحت کشور، تراکم نسبی جمعیت نیز افزایش یافته است. البته در نقاط مختلف کشور تراکم جمعیت یکسان نیست و از حدود ۱۲۰ نفر در هر کیلومتر مربع در استان گیلان تا ۵ نفر در هر کیلومتر مربع در استان سمنان نوسان دارد.

با این که رقم تراکم نسبی جمعیت تا اندازه‌ای می‌تواند توزیع جمعیت را در مناطق مختلف کشور معلوم دارد و در مقام مقایسه با آمارهای منطقه‌ای و یا بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد ولی به طوری که می‌دانیم در هر منطقه یا محدوده سیاسی علاوه بر اراضی دایر و قابل دایر، جاهای دیگری از قبیل کوهها، صحاری، زمینهای باتلاقی و در حالت کلی اراضی غیر قابل دایر وجود دارد که از نظر کشاورزی قابل استفاده نیستند. بنابر این تراکم نسبی جمعیت که حاصل نسبت کل جمعیت به وسعت کل کشور است به تنهایی نمی‌تواند ملاک و وسیله مناسبی برای شناسایی جمعیت یک منطقه در رابطه با امکانات و استعدادهای اقتصادی، درجه استفاده از خاک و بهره‌وری زمین قلمداد شود بویژه اگر منطقه مورد نظر متکی بر اقتصاد کشاورزی باشد. بنابر این برای برآورد این منظور یعنی آگاهی از فشار جمعیت روی اراضی مزروعی از شاخص دیگری به نام تراکم بیولوژیک جمعیت استفاده می‌کنند و آن عبارت از رقمی است که نسبت جمعیت را به زمینهای زیر کشت (زمینهای دایر) که به نحوی از انحا در کشاورزی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد نشان می‌دهد. تراکم بیولوژیک در ایران در طی زمان رو به افزایش می‌باشد یعنی گسترش اراضی زیر کشت نتوانسته است جبران افزایش جمعیت را بنماید.

تراکم بیولوژیک جمعیت در هر یک از سالهای سرشماری به ترتیب برابر ۱۰۵، ۳۷۰، ۲۲۰ و ۲۷۰ نفر در هر کیلومتر مربع از اراضی دایر بوده است.^(۱۸)

در سال ۱۳۳۵ مجموع نقاط شهری ایران (هر نقطه‌ای که دارای ۵ هزار نفر جمعیت بوده و یا با هر اندازه جمعیت که مرکز شهرستان بوده است) بالغ بر ۱۹۹ نقطه بوده که به ترتیب در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به ۲۷۱، ۳۷۳ و ۴۹۶ شهر می‌رسد. افزایش تعداد نقاط شهری کشور عمدتاً ناشی از تبدیل وضع تعدادی از روستاها به شهر می‌باشد و در ضمن در سال ۱۳۶۵ چون تعریف شهر تغییر کرده و هر نقطه‌ای که دارای شهرداری بوده شهر نامیده شده است، تعداد شهرها افزایش یافته است.

به طور کلی اگر جمعیت شهرهای ایران را با تعداد آنها مقایسه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که ایران دارای تعداد زیادی شهر کم جمعیت و تعدادی کمی شهر پُر جمعیت می‌باشد. به عبارت دیگر طی سالهای

سرشماری به تدریج بر تعداد جمعیت شهرهای پرجمعیت بیشتر اضافه شده و از جانب دیگر بر تعداد شهرهای کم جمعیت نیز اضافه گردیده است. تغییر اول ناشی از مهاجرت و تغییر دوم ناشی از افزایش جمعیت روستاها می باشد.

در سال ۱۳۳۵ در ایران در مقابل هر صد نفر زن $۱۰۳/۶$ نفر مرد وجود داشته است یعنی تعداد مردان بیش از تعداد زنان بوده است. در سالهای بعد (۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵) نسبت جنسی جمعیت ایران به ترتیب به $۱۰۷/۳$ ، $۱۰۶/۰$ و $۱۰۴/۶$ تغییر یافته است.

فزونی تعداد مردان بر زنان در وهله اول ناشی از بالاتر بودن نسبت پسرزایی می باشد چون در میان هر ۲۰۵ نوزادی که متولد می شود تقریباً ۱۰۵ نفر پسر و ۱۰۰ نفر دختر هستند. در سالهای بعد (تا سال ۱۳۴۵)، عامل تصحیح در سرشماری مردان، کاهش بیشتر مرگ و میر مردان و نوزادان پسر باعث افزایش این رقم به $۱۰۷/۳$ شده و طی دهساله بعد (۵۵-۱۳۴۵) تصحیح در سرشماری زنان ادامه کاهش مرگ و میر زنان و نوزادان دختر باعث کاهش تقریبی این رقم به ۱۰۶ شده است و بالاخره طی دهساله آخر (۶۵-۱۳۵۵) افزایش مرگ و میر مردان به علت مسایل ناشی از انقلاب و جنگ، کم شماری مردان به علت فرار از سربازی، بیش شماری زنان به علت مسایل کوپنی شدن ارزاق عمومی و ارایه برخی از تسهیلات دولتی از طریق دفترچه های بسیج و احتمالاً تصحیح در شمارش زنان، نسبت جنسی مجدداً کاهش یافته و به $۱۰۴/۶$ رسیده است.

در مقایسه رشد سالانه جمعیت مردان و زنان در ایران در سالهای سرشماری به این نتیجه رسیدیم که جمعیت مردان در دهه اول بیش از جمعیت زنان رشد داشته و در دهه های دوم و سوم اندکی کمتر از جمعیت زنان رشد داشته است.

جمعیت ایران در سالها ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به تفکیک جنس و درصد رشد سالانه جمعیت

جنس	سال سرشماری (ارقام به میلیون نفر)						درصد رشد سالانه جمعیت طی سالهای
	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۳۵-۴۵	۱۳۴۵-۵۵	
مرد و زن	۱۸/۹	۲۵/۷	۳۳/۷	۴۹/۴	۳/۱۳	۲/۷۵	۳/۹
مرد	۹/۶	۱۳/۳	۱۷/۳	۲۵/۲	۳/۳	۲/۷	۳/۸
زن	۹/۳	۱۲/۴	۱۶/۴	۲۴/۲	۲/۹	۲/۸	۴/۰

مأخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵.

توزیع سنی جمعیت ایران در گروه‌های بزرگ سنی (۱۴-، ۰-۶۴، ۱۵ و ۶۵ ساله به بالا) در سالهای سرشماری به ترتیب به شرح جدول زیر بوده است.

توزیع نسبی جمعیت ایران برحسب گروه‌های بزرگ سنی در سالهای ۶۵-۱۳۵۵

گروه‌های بزرگ سنی	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵
۰-۱۴	۴۲/۲	۴۶/۱	۴۴/۵	۴۵/۵
۱۵-۶۴	۵۳/۸	۵۰/۰	۵۲/۰	۵۱/۵
۶۵ +	۴/۰	۳/۹	۳/۵	۳/۰
کلیه سنین	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: براساس نتایج سرشماری سالهای ۶۵-۱۳۵۵.

مقایسه ارقام فوق نشان می‌دهد که حدود نیمی از جمعیت ایران جزء جمعیت غیر واقع در سن فعالیت (۱۴- + ۶۵) بوده و فقط نیمی از جمعیت در سنین فعالیت قرار دارند. طی سالهای سرشماری نیز به تدریج بر درصد جمعیت غیر واقع در سن فعالیت نیز اضافه شده است. افزایش جمعیت غیر واقع در سن فعالیت ناشی از افزایش جمعیت ۱۴-۰ ساله می‌باشد. این افزایش از طرفی ناشی از کاهش مرگ و میر اطفال بوده و از طرف دیگر، طی سالهای ۶۵-۱۳۵۵، ناشی از افزایش موالید بوده است.

به‌طور کلی در مورد ساختمان سنی جمعیت ایران می‌توان گفت که اولاً جمعیت ایران در زمره جمعیت‌های جوان می‌باشد و ثانیاً طی سالهای ۶۵-۱۳۳۵ بر میزان جوانی جمعیت نیز اضافه شده است. به عبارت دیگر هرم سنی جمعیت ایران دارای قاعده وسیع و رأس بسیار محدود می‌باشد.

در جمع‌بندی کلی تحولات جمعیت ایران طی صد سال گذشته به نتایج زیر دست می‌یابیم.

۱. جمعیت ایران در حدود سالهای ۱۲۶۰ برابر ۷/۶ میلیون نفر بوده است.
۲. بالا بودن میزان مرگ و میر در ایران طی سالهای قبل از سال ۱۳۰۰، به علت بیماریهای همه‌گیر و عدم دسترسی به امکانات بهداشتی درمانی، باعث رشد بطنی جمعیت ایران بوده است.
۳. از سال ۱۳۰۰ به بعد به تدریج با ورود امکانات بهداشتی درمانی به کشور، میزان مرگ و میر کاهش

- یافته و رشد سالانه جمعیت در ایران که رقمی در حدود ۰/۶ درصد در سال بوده به ترتیب به ۱/۴، ۲/۰، ۲/۴، ۲/۸، ۳/۰ و ۳/۹ درصد در سال (تا سال ۱۳۶۵) رسیده است.
۴. آخرین آمار جمعیتی (مربوط به سال ۱۳۶۵) نشان می‌دهد که جمعیت ایران طی صد سال اخیر (سالهای ۱۲۶۰ تا ۱۳۶۵) حدود ۷ برابر شده است (از ۷/۶ میلیون نفر در سال ۱۲۶۰ به ۴۹/۴ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است).
۵. طی صد سال اخیر به تدریج از درصد جمعیت عشایر و روستانشین کاسته گردید و بر درصد جمعیت شهرنشین اضافه شده است. علل افزایش جمعیت شهرنشین علاوه بر رشد طبیعی جمعیت، مهاجرت روستاییان به شهرها، تبدیل وضع مناطق روستایی به شهر و ادغام برخی از روستاهای نزدیک به شهرها به مجموعه شهری می‌باشد.
۶. درصد جمعیت مردان از سال ۱۳۴۵ به بعد روند معکوس یافته و به تدریج تا سال ۱۳۶۵ کاهش پیدا کرده است. البته هنوز تفوق یا مردان می‌باشد.
۷. طی سالهای ۶۵-۱۳۳۵ جمعیت ایران که یک نمونه از جمعیت‌های جوان بوده است جوانتر نیز شده است. عامل اصلی جوانی جمعیت در ایران بالا بودن میزان مولید و کاهش مرگ و میر اطفال می‌باشد.
۸. فزاینده شدن رشد جمعیت در ایران طی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۰۰. بدین ترتیب که جمعیت ایران در ضمن اینکه افزایش داشته سرعت افزایش آن نیز بیشتر شده است. یعنی سالهای دو برابر شدن جمعیت در ایران به تدریج کاهش یافته است در نتیجه می‌توان گفت که طی صد سال گذشته اولاً جمعیت ایران دارای رشد مثبت بوده یعنی افزایش یافته است (رشد منفی یعنی کاهش جمعیت) و ثانیاً رشد مثبت جمعیت در ایران فزاینده بوده است. به طوری که براساس برآوردی که شده از سال ۱۲۶۰ جمعیت ۷/۶ میلیونی ایران تا سال ۱۳۲۰ به ۱۵/۱ میلیون نفر رسیده یعنی پس از ۶۰ سال جمعیت ایران دو برابر شده است. در صورتی که جمعیت ۱۵/۱ میلیونی ایران در سال ۱۳۲۰ پس از ۳۵ سال (تا سال ۱۳۵۵) بیش از دو برابر شده و به ۳۳/۷ میلیون نفر رسیده است.
- براساس پیش‌بینی به عمل آمده، اگر جمعیت ایران به روال سالهای ۶۵-۱۳۵۵ یعنی رشد ۳/۹ درصد در سال افزایش یابد پس از ۱۸ سال دو برابر خواهد شد یعنی در سال ۱۳۸۳ جمعیت ایران به ۱۰۰ میلیون نفر خواهد رسید.

پانویس:

۱. جعفر جوان، "جمعیت ایران و بستر جغرافیایی آن"، دانشگاه فردوسی، ۱۳۶۷، ص ۲۴.
۲. منوچهر تهرانی، عامل انسانی در اقتصاد ایران به نقل از کتاب جعفر جوان، همان، ص ۸.
۳. چارلز عیسوی، "تاریخ اقتصادی ایران، قاجاریه ۱۳۳۲-۱۲۱۵ هـ.ق، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستر، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۲۹.
۴. محمد علی کاتوزیان، "اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا سقوط رضا شاه" ترجمه محمدرضا نفیسی، پایپروس، ۱۳۶۶، ص ۵۰.
۵. محمد علی کاتوزیان، همان، ص ۵۱.
۶. همان، ص ۵۲.
۷. چارلز عیسوی، همان، ص ۳۶.
۸. همان، ص ۲۹.
۹. همان، ص ۳۹.
۱۰. سید محمد علی جمالزاده، "گنج شایان"، انتشارات اداره کاوه، ناشر کتاب تهران، ۱۳۶۲، ص ۴۷.
۱۱. چارلز عیسوی، همان، ص ۴۸.
۱۲. سید محمد علی جمالزاده، همان، ص ۶ مقدمه.
۱۳. صنایع الدوله، سالنامه آماری ایران سال ۱۲۵۲ شمسی به نقل از جعفر جوان، همان، ص ۸.
۱۴. "پیش‌بینی و گذشته‌نگری جمعیت ایران تا سال ۱۳۷۰"، سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران، نشریه شماره ۱۳، ص ۸.
۱۵. جعفر جوان، همان، ص ۳۹.
۱۶. "پیش‌بینی و گذشته‌نگری جمعیت ایران تا سال ۱۳۷۰"، همان، ص ۱.
۱۷. مهدی امانی، "حیات جمعیتی ایران" بخش اول، جزوه، سال ۱۳۵۱، ص ۱۰.
۱۸. جعفر جوان، همان، ص ص ۵۶-۵۷.